



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده کرامت

تاریخ: ۲۳ فروردین ۱۴۰۴

موضوع جزئی: ادله کرامت ذاتی انسان - دلیل اول: آیات - آیه چهارم تا چهاردهم

مصادف با: ۱۳ شوال ۱۴۴۶

جلسه: ۳۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله کرامت ذاتی انسان بود؛ عرض کردیم همه مواردی که به عنوان شاهد بر دسته اول از امتیازات انسان ذکر گردید، فی الجمله می تواند دال بر کرامت ذاتی انسان باشد. البته دلالت همه این شواهد بر کرامت ذاتی علی السویه نیست، بلکه دلالت ها تارة بالمطابقة است و أخرى بالالتزام، تارة بالصراحة است و أخرى بالاشارة یا بالکنایة. لذا چون قبلاً این شواهد ذکر شده، ما هم باید سریع از این شواهد عبور کنیم و هم از وجه استشهاد به اینها غافل نشویم. ما در جلسه گذشته سه آیه را ذکر کردیم.

آیه چهارم

آیه چهارم، آیات ۱ تا ۴ سوره الرحمن است: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ». در مورد اینکه «بیان» در این آیه به چه معناست، پنج دیدگاه وجود دارد؛ ما قبلاً به این پنج دیدگاه اشاره کردیم، اما آنچه که پذیرفتیم این بود که منظور از بیان، همان قوه تفکر و تعقل انسان است؛ اگر قوه عقل نبود، نطق و تکلم و سایر اموری که ذکر شده، معنا نداشت و تحقق پیدا نمی کرد.

در آیه اول و دوم، سخن از تکریم و احسان بود؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یا «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»، نیکوترین خلقت که همان عقل باشد. در آیه قبلی یعنی «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» و این آیه، مسئله تکریم یا احسان به صراحت بیان نشده، اما معلوم است که وقتی خداوند می فرماید انسان را خلق کرد و به او بیان را تعلیم داد، این در واقع یک نعمت خاص و تکریم انسان است. اگر تکریم و احسان نسبت به خصوص انسان باشد، فارغ از عقیده و مذهب، این می شود همان کرامت ذاتی؛ مگر معنای کرامت ذاتی چیست؟ شما این را در همه موارد در نظر داشته باشید که کرامت ذاتی یعنی گرامیداشت انسان بما هو انسان؛ یعنی بهره مند کردن انسان از یک امتیاز که به هیچ موجودی غیر از انسان داده نشده است. انسان از جهت اینکه انسان است، واجد یک چنین ویژگی شده است؛ این قابل انکار نیست.

آیه پنجم

آیه بعدی، آیات ۱ تا ۵ سوره علق است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ خداوند انسان را تعلیم داد به قلم و به چیزی که آن را نمی دانست. در مورد اینکه خداوند چه چیزی را به انسان تعلیم کرد که نمی دانست و آیا همه انسان ها از آن بهره مند شدند یا برخی انسان ها، بحث هایی دارد که ما وارد آنها نمی شویم. اما آنچه از این آیه و به استناد برخی قرائن و شواهد استفاده می شود، این است که مسلماً اینجا مراد جنس انسان است، نه انبیا یا برخی از انسان ها. اینکه خداوند قلم و چیزی را که نمی دانست به او تعلیم داد، این در واقع از

شعب عقل و قوه شعور انسان است؛ اینجا هم درست است که لفظ تکریم یا احسان به کار نرفته، اما بدون تردید این نعمتی که خداوند به انسان عطا کرده از جهت انسان بودن اوست و به این وسیله او را گرامی داشته و بزرگ شمرده است.

آیه ششم

آیه ششم، آیه ۷ و ۸ سوره شمس است: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا». قسم می‌خورد به نفس و می‌فرماید ما راه فسق و فجور و شر و راه تقوا را به او نشان دادیم. اینکه می‌فرماید هر دو راه به انسان الهام شد، هم راه فجور و هم راه تقوا، این در واقع دلالت بر این دارد که انسان خودش باید انتخاب کند که در کدام یک از این دو راه گام بردارد؛ یا راه فجور یا راه تقوا و این یک مزیت برای انسان است که حق دارد از این دو مسیر، یکی را انتخاب کند. اعطای قدرت انتخاب یکی از این دو راه به انسان، بزرگداشت و تکریم او است. این هم برای انسان بما هو انسان ثابت است و فعلیت دارد. چیزی نیست که آن را اکتساب کند. اینکه به او دو راه الهام شد، این یک امتیازی است که ملائکه هم از چنین امتیازی برخوردار نیستند.

آیه هفتم

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۱، ما او را به یکی از این دو هدایت کردیم؛ مضمون این آیه هم نظیر همان آیه قبلی است. ممکن است مضامین خیلی از این آیات نظیر هم باشد، ولی به هر حال در مقام استدلال، همه اینها قابل ذکر است. اینکه انسان کدام را اختیار کند و پس از اختیار، خداوند او را در همان مسیر پیش می‌برد، این یک امتیازی است که دلالت بر این قدرت و این حق در انسان دارد؛ یعنی اینکه می‌تواند انتخاب کند.

آیه هشتم

«كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤُلَاءِ»^۲؛ امتداد دادن و استمرار بخشیدن به این گروه یا آن گروه، این راه یا آن راه، این هم یک نوع بزرگداشت و تکریم برای انسان است؛ هر چند خداوند تبارک و تعالی هیچ تمایلی ندارد به اینکه انسان پا در راه فسق و فجور و شر بگذارد.

سؤال:

استاد: این اشاره دارد به انتخاب خود شخص؛ ... هر کسی هر چه را انتخاب کرد، ما او را حمایت می‌کنیم؛ این همان قدرت انتخاب را می‌رساند.

آیه نهم

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا»^۳؛ اگر خداوند تبارک و تعالی می‌خواست، همه کسانی که روی زمین بودند را مؤمن می‌آفرید. این معنایش آن است که خداوند نخواستسته مردم از روی اجبار و تکویناً به او ایمان بیاورند، بلکه هر دو راه برای بشر باز بوده تا خودشان انتخاب کنند. اینکه خداوند، بندگان و انسان‌ها را مجبور نکرده به ایمان، بلکه اینکه راه را برای بشر و انسان باز گذاشته که خودش راه سعادت یا شقاوت را برگزیند (البته با همه پشتیبانی‌هایی که نسبت به انتخاب راه سعادت وجود دارد)، این نشان می‌دهد که انسان از ناحیه خالق مکرم و گرامی داشته شده که او را در انتخاب مسیر آزاد گذاشته است.

۱. سوره بلد، آیه ۱۰.

۲. سوره اسراء، آیه ۲۰.

۳. سوره یونس، آیه ۹۹.

آیه دهم

آیه دیگری که با مضمونی نزدیک به همین آیه قابل ذکر است، آیه ۹۹ سوره یونس است: «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ هرچند این بخش از آیه در ادامه آیه ۹۹ است، اما این بخش مستقلاً مورد استناد است. خداوند خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: آیا تو می‌خواهی مردم را وادار کنی به اینکه مؤمن باشند؟ یعنی می‌گویدی چنین حقی نیست و نباید مردم را وادار به ایمان کرد. اینکه انسان حتی برای انتخاب راه ایمان آزاد گذاشته شده و حق انتخاب به او داده شده، این چیزی جز تکریم و بزرگداشت و گرامی داشتن او نیست.

آیه یازدهم

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ مضمون این آیه هم روشن است؛ این هم چیزی جز تکریم و بزرگداشت نیست. اینکه می‌گوید ما راه را به او نشان می‌دهیم اما اوست که شاکر یا کافر است، این به جز گرامیداشت و بزرگداشت، چیز دیگری نیست.

این نکته را تأکید می‌کنم که اینکه می‌گوییم انسان از ناحیه خداوند مورد تکریم قرار گرفته، یعنی به او کرامت‌هایی عطا شده که به غیر او نشده، انسان بما هو انسان از این امور بهره‌مند شده و اینها مبنای حقوق طبیعی است. اگر ما می‌گوییم انسان ذاتاً کرامت دارد، یعنی خداوند انسان را از باب انسان بودن، از این مزیت‌ها بهره‌مند کرده و به دنبال این مزیت‌ها یک سری حقوق طبیعی برای او ثابت است. ما نمی‌گوییم همه انسان‌ها از همه حقوق بهره‌مند هستند، ما نمی‌گوییم مثلاً انسان اگر از این کرامت‌های ذاتی برخوردار است، پس مجازات نسبت به او معنا ندارد، محدودیت معنا ندارد؛ نخیر، اینها با هم قابل جمع است؛ چه اینکه قبلاً اشاره کردیم و بعداً هم خواهیم گفت.

آیه دوازدهم

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۱، خدایی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را مورد آزمایش قرار دهد که کدام یک از شما از حیث عمل، بهتر و نیکوتر است. اینکه انسان‌ها در معرض آزمایش قرار بگیرند تا معلوم شود کدام یک از آنها نمره بهتری در زندگی کسب می‌کنند، این یک بزرگداشت و تکریم است. مثل اینکه عده‌ای دانش‌آموز را در یک کلاس جمع کنند و برای آنها اسباب ترقی را فراهم کنند و بعد معلوم شود که کدام یک از اینها به نتایج بهتری می‌رسند. اینکه بچه را سرکلاس نشانده، این تکریم است.

سؤال:

استاد: ما با آزمایش کار نداریم؛ از اینکه انسان در سربازی قرار گرفته که زندگی‌اش می‌تواند او را به احسن العمل برساند، یعنی امکان این وجود دارد که با اختیار خودش به بهترین و نیکوترین اعمال دست بزند، این خودش یک تکریم و بزرگداشت است.

...

آیه سیزدهم

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۲؛ آنچه که ما بر روی زمین به عنوان زینت قرار دادیم، برای آن

۱. سوره انسان، آیه ۳.

۲. سوره ملک، آیه ۲.

۳. سوره کهف، آیه ۷.

است که آنها را بیازماییم که کدام یک از نظر عمل نیکوتر محسوب می‌شوند. ابتلاء یا آزمایش خداوند برای اینکه کدام یک عمل نیکوتر انجام می‌دهند، دلالت می‌کند بر امکان گزینش احسن؛ اگر احسن بودن عملاً معنا نداشت و امکان گزینش و انتخاب نبود، معنا نداشت که خداوند بفرماید «لِنَبْلُوهُمْ أَأَحْسَنُ عَمَلًا». اینکه انسان می‌تواند بهترین و نیکوترین‌ها را انتخاب کند، این یک تکریم و گرامیداشت و بزرگداشت برای انسان است؛ می‌تواند احسن عملاً نباشد؛ اگر در این ابتلائات موفق نشود، طبیعتاً احسن عملاً نیست.

آیه چهاردهم

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۱، خداوند تبارک و تعالی انسان را بر فطرتی خلق کرد که لا تبدیل له؛ در این فطرت تبدیل و تغییر وجود ندارد. اینکه فطرت اینجا به چه معناست، ما قبلاً گفتیم هم در حوزه ادراک و شناخت فطریاتی داریم و هم در حوزه گرایش‌ها. مهم این است که انسان گرایش‌های مخصوصی دارد که بر آنها خلق شده و اینجا بحث مؤمن و کافر نیست، بحث باتقوا و بی‌تقوا نیست؛ همه انسان‌ها با این گرایش‌ها و شناخت‌ها آفریده شده‌اند. انسان هم یک شناخت اجمالی دارد نسبت به خداوند تبارک و تعالی؛ میل به توحید، میل به شناخت خداوند. مقوله شناخت و مقوله گرایش انسان هر کدام شعبه‌ها و شاخه‌هایی دارد که ما فعلاً در مقام ذکر آن نیستیم؛ اما بالاخره انسان فطرتاً خداخواه، حقیقت‌جو، اهل عشق و پرستش است. آیا بهتر از این می‌شود یک موجودی را گرامی داشت و تکریم کرد؟ بنیان خلقت انسان بر این امور استوار است و همه انسان‌ها از آن بهره‌مند هستند. بله، تنها مسئله‌ای که وجود دارد، این است که ممکن است این فطرت بر اثر بعضی از عوامل و عوارض، گرفتار غفلت و نسیان شود. طبیعتاً راه‌هایی هم برای خارج کردن او از این غفلت وجود دارد. خود این آیه به تنهایی دلالت بر مدعا می‌تواند داشته باشد. من از هر کدام یک نمونه می‌گویم، و الا شاید بتوانیم برای هر کدام از آنها چند نمونه ذکر کنیم.

این را هم عرض می‌کنم که اگر ما دلایل را تکثیر می‌کنیم، مخصوصاً آیات که دلالت می‌کنند بر کرامت ذاتی، به واسطه انکارها و مخالفت‌هایی است که نسبت به کرامت ذاتی وجود دارد. یعنی با تشریح کرامت و تبیین ذاتی بودن و ثمره کرامت ذاتی، معلوم می‌شود که کرامت ذاتی چیزی نیست که از آن وحشت داشته باشند؛ ما با اثبات کرامت ذاتی نمی‌خواهیم تسویه کامل بین انسان مؤمن و کافر برقرار کنیم. فی‌الجمله آنچه مقصد اثبات کرامت ذاتی است، مسئله بهره‌مندی انسان‌ها از جهت انسان بودن از یک سری حقوق اولیه طبیعی است؛ و الا ما نه می‌خواهیم با این کرامت‌هایی که به عنوان کرامت ذاتی از آن یاد می‌کنیم، حقوق ویژه‌ای را برای غیر مسلمانان ثابت کنیم و نه می‌خواهیم مثلاً برخی مجازات‌ها و کیفرها را از آنها برداریم. قدر متیقن از حقوقی که به واسطه کرامت ذاتی برای انسان ثابت می‌شود، حقوق طبیعی است؛ آن هم قدر متیقنی از حقوق طبیعی.

سؤال:

استاد: حق انتخاب دارد، آزادی دارد، ... این حقوق طبیعی اولیه قابل استناد به این کرامت‌ها است. آیا اینها کرامت ذاتی محسوب می‌شود یا نه؟ ... اگر لا حرمة له، چرا توهین نشود؟ ...

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره روم، آیه ۳۰.